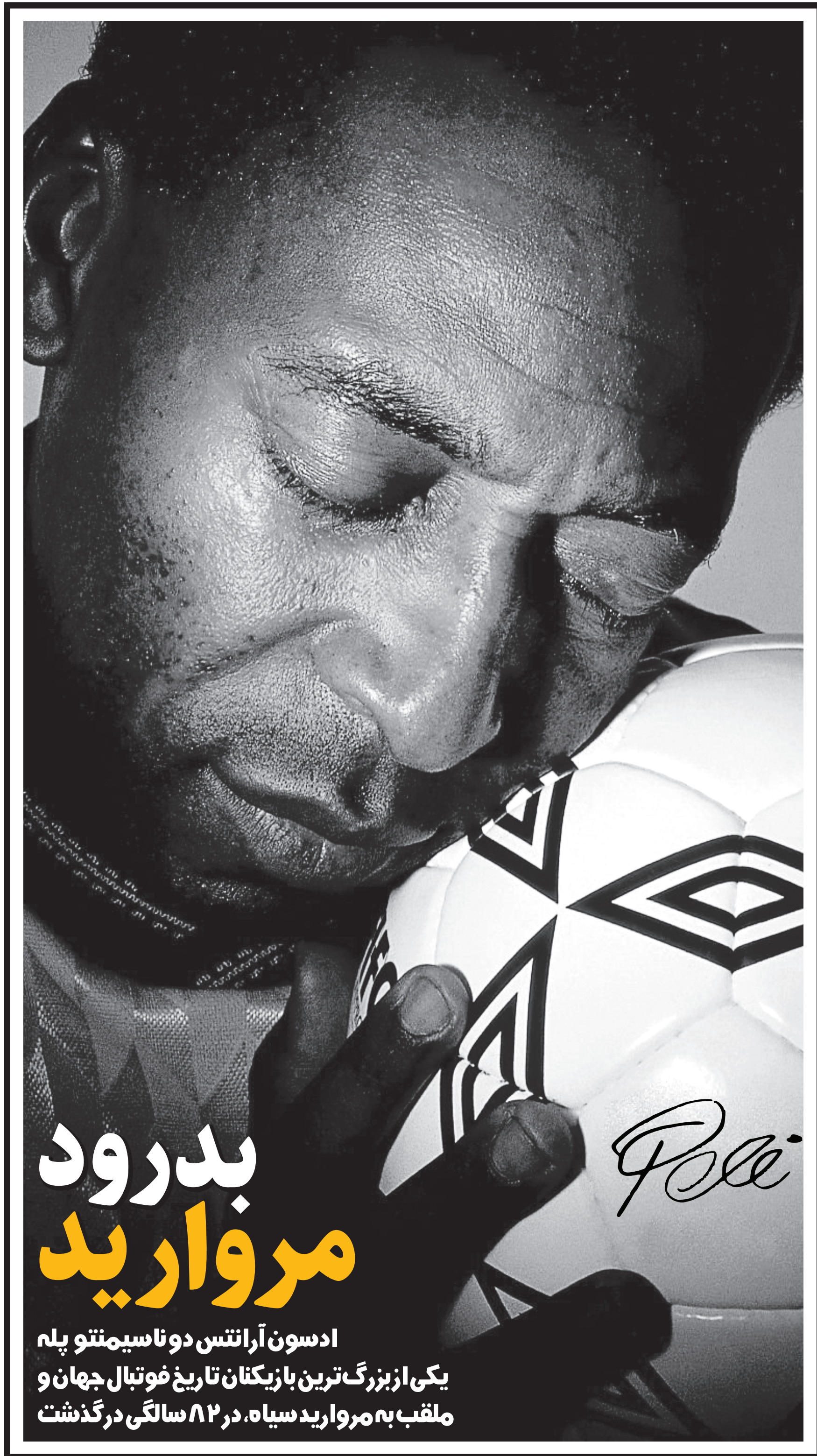


همشهری ورزش



بدرود مروارید

ادسون آراتنس دونا سیمنتو پله یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال جهان و ملقب به مروارید سیاه، در ۸۲ سالگی در گذشت

1279

پله سال ۲۰۱۵ با انتشار توییتی مدعی شد که در طول دوران درخشان خود ۱۲۸۳ گل به ثمر رسانده است. با این حال، رکوردهای جهانی گینس ۴ گل از این تعداد گل حذف کرده است زیرا معتقدند پله ۱۲۷۹ گل زده است.

775

تعداد گل‌های رسمی فوق ستاره برزیلی ۴۷۷۵ گل ثبت شده است. بقیه گل‌های او در بازی‌های دوستانه و تورهای اروپایی و آسیایی یا تیم سانتوس به ثمر رسیده. از جمله ۲۲ گلی که در ورزشگاه آزادی زد. فیفا این گل‌ها را قبول ندارد. او در دوران سر بازی گل‌های زیادی برای گارد ساحلی ششم در رقابت‌های نظامی در برابر بازیکنان غیر حرفه‌ای زده بود.

100

طبق گزارش مجله فوربز، دارایی خالص گزارش شده او ۱۰۰ میلیون دلار، معادل ۸۳ میلیون پوند است. طبق گزارش‌ها، کسب و کار پله پس از پانسان دوران بازی‌اش، حدود ۱۰ میلیون دلار یا ۸.۳ میلیون پوند در سال برای او درآمد داشت و دارایی خالص او در سال ۲۰۲۲ به ۱۰۰ میلیون دلار یا ۸۳ میلیون پوند افزایش یافت.

10

او با اینکه در پست مهاجم شماره ۹ بازی می‌کرد، با پیراهن شماره ۱۰ جاودانه شد و به این عدد معنا بخشید. خودش در این باره توضیح داده: «پیراهن شماره ۱۰ را در جام جهانی ۱۹۵۸ به من دادند با اینکه مسن‌ترین بازیکن تیم نبودم هیچ جوان‌ترین بازیکن هم بودم. هیچ کس برای پوشیدن شماره ۱۰ آنچنان اشتیاق نداشت و این پیراهن به‌طور تصادفی به من افتاد.»

0.92

در مجموع ۶۵۹ بازی برای باشگاه سانتوس، ۴۳ گل رسمی در رقابت‌های مختلف برای این تیم زد. او در فصل حضورش در کاسموس نیویورک ۱۰۷ بازی انجام داد و ۶۶ گل به ثمر رساند که ۳۷ گل آن در ۶۴ دیدار رسمی بود. با احتساب ۷۷ گل ملی در ۱۴ سال و ۹۲ بازی برای برزیل و همچنین چند گل دیگر در بازی برای تیم‌های منتخب و متفرقه اما در دیدارهای رسمی تعداد این گل‌ها به ۷۷۵ گل در ۸۴۰ مسابقه می‌رسد بانرخ ۰.۹۲ گل در هر مسابقه.

یادداشت

امیر محمد یعقوب پور روزنامه‌نگار

فرار به سوی بهشت!

مرد مسنی که این اواخر به سختی حرکت می‌کرد، چه کاری انجام داده که همه دنیا این چنین مشغول ستایشش بودند؟ شاید این نخستین سؤالی است که بعد از تماشای واکنش‌های جهانی به درگذشت پله به ذهن هواداران نوجوان فوتبال می‌رسد. شاید شناخت خیلی‌ها از الماس جاودانه فوتبال برزیل، به یک مشتت آمار و ارقام خلاصه شود. پله اما چیزی فراتر از این بود. چیزی بزرگ‌تر از این تصویر. رویایی‌تر از این قاب فراتر از این آمار. وقتی او شروع به درخشش در بین ستاره‌های بلندقامت زمین فوتبال در برزیل کرد، هنوز این باور عمومی وجود داشت که فوتبالست‌ها برای اوج گرفتن باید به حوالی ۳۰ سالگی برسند. پله اما این باور را برای همیشه تغییر داد و وقتی برای نخستین بار مهم‌ترین جام دنیای فوتبال را در دست گرفت، فقط ۱۷ سال سن داشت. پله، او کمی هم خوش شانس بود که عضوی از یک تیم رؤیایی شد. او کمی هم خوش شانس بود که در سرزمین فوتبال به دنیا آمد اما در همان تیم، اسم‌های بزرگ دیگری هم بودند که هرگز به اندازه پله تکرار نشدند. در آن نسل ستاره‌های مهم دیگری بودند که هرگز ثبات خارق‌العاده «سلطان» را در زمین به‌دست نیاوردند. او متولد شده بود که مسیر توپ و دروازه‌ها را کوتاه کند. درست همان طور که مسیر طولانی بین برزیلی‌ها و خوشبختی را کوتاه کرد. درست همانطور که فوتبال را به قلب همه مردم برد. درست همان طور که به یک معجزه در تاریخ فوتبال تبدیل شد. او مبدایی برای بحث «بهترین‌های تاریخ» بود. قبل از پله، کسی را به یاد دارید که در این فهرست بوده باشد؟ اصلاً بازیکنی قدیمی‌تر از پله هست که هنوز به‌عنوان یکی از چهره‌های شایسته برای شناخته‌شدن به‌عنوان بهترین تاریخ مطرح باشد؟ پله در حالی به این جایگاه اسطوره‌ای در دنیای فوتبال رسید که هرگز دو عادت همه ستاره‌های فوتبال را انجام نداد. او هیچ‌وقت در اروپا بازی نکرد. کاری که مارادونا و بسیاری از چهره‌های شاخص فوتبال در آمریکای جنوبی به سرعت انجامش دادند. او به جز آخرین سال‌های دوران بازی، هیچ‌وقت از سانتوس جدا نشد و حتی بعد از ترک این تیم هم به آمریکا رفت تا زندگی در نیویورک را تجربه کند. در حقیقت همه این دستاوردهای تاریخی و همه این شهرت مثال‌زدنی برای او، بدون حضور در فوتبال باشگاهی اروپا به‌دست آمد. اتفاقی که شاید حالا برای فوتبالست‌های برزیلی، از محال هم محال‌تر باشد. تصمیم مهم بعدی پله، این بود که هرگز به سراغ مربیگری نرود. کاری که کرویف، زیدان و حتی مارادونا انجام داده بودند. پله شاید بزرگ‌تر از آن بود که روی نیمکت یک تیم دیده شود. او بزرگ‌تر از آن بود که با چند نتیجه و یک جدول، مورد قضاوت قرار بگیرد. او در دوران بازی، همه‌چیز به‌دست آورده بود و امتحان دیگری برای خودش نمی‌خواست. او هیچ‌چیز برای ثابت کردن در فوتبال باقی نگذاشته بود.

او را لباس طلایی برزیل و شادی‌های گل ساده‌اش به یاد می‌آوریم. بازیکنی که خیلی راحت را به گل می‌رسید و باز کردن دروازه، قبا به قدری برایش عادی بود که خودش را برای جشن گرفتن هر گل به زحمت نمی‌انداخت. او را با جام‌های فوق‌العاده‌اش در لباس تیم ملی به یاد می‌آوریم. با شهرتی در اندازه بهترین ورزشکارهای تاریخ. با محبوبیتی بیشتر از بهترین بوکسورها در عصری که هنوز فوتبال جایگاه مهم امروزی‌اش را به‌دست نیاورده بود. او را با شاهکارهایش در زمین به یاد می‌آوریم، با قلبی که حتی تا آخرین روزها به عشق برزیل می‌تپید و منتظر موفقیت دیگری برای این تیم بود. و البته با نمایی از فیلم خاطره‌انگیز فرار به‌سوی پیروزی. وقتی که کلید نجات را در ساق‌هایش پیدا می‌کرد. او در فوتبال، به‌سوی جاودانگی رفت. بدون آنکه خرابکاری ستاره‌های دیگر را تکرار کند. بدون درگیر شدن با مافیای سیاست، او بیشتر از هر چیزی، مراقب تصویر خودش بود؛ تصویری که باشکوه بود، باشکوه ماند و هیچ‌وقت استواری‌اش را از دست نداد.

